پوشاک

مردان تهران قدیم چه می‌پوشیدند؟

زهرا خالقی‌صفا

■ لباس رسمی و معمول طهرانی‌های دوره قاجار برای همه طبقات شال و کلاه و جبه برای مردان و پیراهن کوتاه برای پوشاندن بالاتنه و دامنی بلند که تا پشت قدم‌های پا را بپوشاند برای زنان بود و اگر زنان هرگاه به دلایلی از خانه خارج می‌شدند از چادر، چارقد و روبنده استفاده می‌کردند.

تن‌پوش مردان

در طهران قدیم تن‌پوش بسیاری از مردان، لباسی بلند و گشاد به نام جبه بود چون این تن‌پوش بسیار راحت و دوام خوبی داشت و مردم دیگر نقاط کشور روی خوشی به آن نشان دادند تا آنجا که در کل ایران جبه، لباس رسمی شناخته شد که با توجه به طبقات مختلف جامعه، جنس جبه گوناگون بود. طبقات ممتاز، جبه‌شان را از جنس ماهوت می‌دوختند و سایر طبقات که استطاعت خرید ماهوت را نداشتند از پارچه‌های دستباف ایرانی استفاده می‌کردند. همه مردان بعد از پوشیدن جبه، شالی به کمر می‌بستند که برایشان حکم جیب داشت.

کفش مردان نیز با توجه به تناسب توان مالی، گیوه، چاروق و نعلین بود که البته بعد از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ که طرح هماهنگ کردن لباس مردم به مرحله اجرا گذاشته شد کت و شلوار و کفش‌هایی به شکل امروزی جایگزین قبا، جبه و نعلین شد و اما کلاه یا به عبارت دیگر شال کلاه، بخش جدانشدنی از لباس مردان به شمار می‌رفت. در آن دوره کلاه برای مرد به منزله چادر برای زن بود و مردی بدون کلاه در کوچه و بازار دیده نمی‌شد.

کلاه از این جهت ضروری بود که مردان عضو «سر» را سلطان و فرمانده بدن می‌پنداشتند و اعتقادشان بر این بود که باید برای این عضو، حرمتی بسیار قایل شد تا آنجایی که حتی هنگام خواب، عرقچین بر سر می‌گذاشتند و جز دیوانگان، مردی بدون کلاه دیده نمی‌شد.

از خرافاتی که مردم به آن بسیار اهمیت می‌دادند این بود که اگر مردی بدون کلاه، آب بخورد دلیل بر عدم عقل و حواس وی است و اگر بنا به دلایلی عرقچین از سرشان می‌افتاد، کف دست‌شان را روی سر می‌گذاشتند و آب می‌خوردند.

در این دوران، بازار کلاه‌دوزها رونق بسیار خوبی داشت. معروف‌ترین کلاه‌هایی که مردان آن دوره بر سر می‌گذاشتند کلاه‌های نمدی، پوستی و مقوایی بود که بعد از آن کلاه پهلوی یا کلاه اجباری خاتم کلاه‌ها شد.

کلاه نمدی

کلاه نمدی، کلاه لبه کوتاهی شبیه عرقچین تا شده بود که در آن دوره از همه کلاه‌های موجود ارزان‌تر به شمار می‌رفت. نوع دیگر این کلاه «فینه» نام داشت که در انتها متصل به یک منگوله بود که شال سبزی دور آن می‌بستند و نوحه‌خان‌ها و مداحان از آن استفاده می‌کردند. نوع مرغوب کلاه نمدی از کرک شتر تهیه می‌شد که به لوطی‌ها و داش‌مشتی‌ها تعلق داشت. قیمت این کلاه‌ها از پنج شاهی تا دو قران متغیر بود.

کلاه پوستی

بعد از کلاه نمدی، کلاه پوستی دارای مشتریان بسیاری بود که اسکلت آن از مقوا و روی آن با پوست گوسفند، بره، سنجاب، سمور و غیره پوشانیده می‌شد و سقف‌اش از مخمل یا ماهوت بود و در داخل آن آستر. قیمت این کلاه بین سه قران تا سه تومان بود که نسبت به کلاه نمدی گران‌تر و مخصوص اعیان به شمار می‌رفت.

کلاه مقوایی

کلاه مقوایی نیز کلاهی از مقوا و ماهوت سیاه با ارتفاعی بلند که مختص جوجه فکلی‌های آن دوره بود. همچنین برخی از افرادی اداری که سمت منشی داشتند این کلاه را بر سر می‌گذاشتند. از کلاه مقوایی به عنوان پیش‌درآمد کلاه پهلوی یاد شده است. قیمت این کلاه از دو قران به بالا بود.

کلاه پهلوی

استفاده از کلاه پهلوی که از آن به نام کلاه زورکی یاد می‌شد از جمله قوانینی بود که رضاخان آن را عمومی کرد و مردم مجبور به استفاده از آن شدند. این نوع کلاه مانند کلاه مقوایی بود که نقابی جلوی آن دوخته شده بود.

قانون اتحاد شکل، همه مردان را موظف کرد که باید ملبس به کت و شلوار و مجبور به استفاده از کلاه نقابدار (کلاه پهلوی) باشند و هر کس که از این دستور سرپیچی کند انواع اهانت‌ها، بی‌حرمتی‌ها گریبان‌گیرش می‌شد و آژان‌ها، جبه‌های مردان را در ملاعام با قیچی بریده و شال و کمربند و کلاه آن را نیز لگدمال و دشنام و ناسزا نثار مردان می‌کردند. جملات تمسخرآمیزی که همزمان با تغییر لباس بر سر زبان عوام افتاده بود، شامل: «هم کلاه‌مان را برداشتند و هم کلاه بر سرمان گذاشتند» بود که این مثل آنچنان رایج شده بود که بعد از تاجگذاری رضاخان شعار مردم این بود که «این کلاه برای سرت گشاد است.»

امامزاده صالح(ع) در دل شمیران

خانه ایمان، خانه نذر

فرزانه نیکروح‌متین

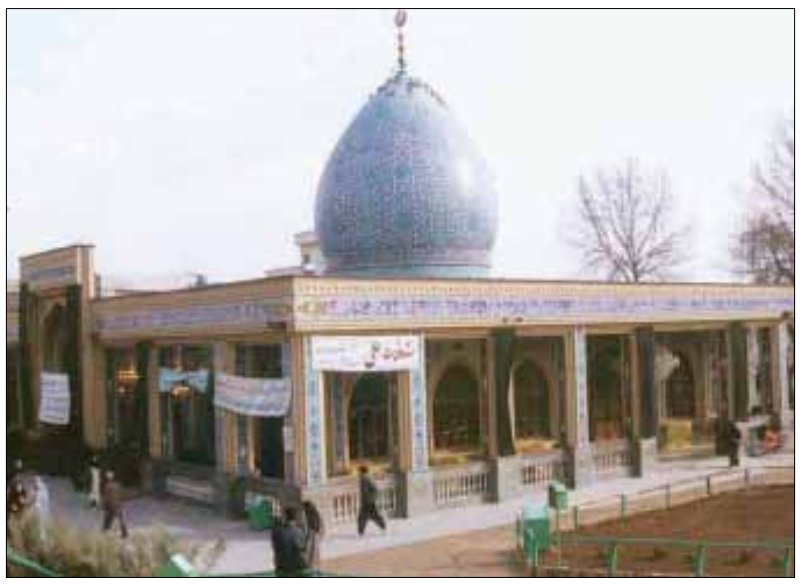

هر زمان صحبت از شمیران می‌شود، ناخودآگاه به یاد امامزاده صالح(ع) می‌افتی که در دل دامنه رشته کوه‌های البرز و در قلب منطقه تجریش آرمیده است؛ امامزاده‌ای که از سده هشتم هـ‌ق همچنان پابرجاست. کوچه‌پس‌کوچه‌هایی که امامزاده را در برگرفته انگار همان حال و هوای قجری دارد و بافت قدیمی خود را حفظ کرده است. برای ورود به امامزاده، سه در وجود دارد که دو در آن در بازار قدیمی تجریش است و در اصلی آن نیز در شمال امامزاده قرار دارد. اما حالا خبری از آن درخت چنار معروف که در تمام کتاب‌های تهران قدیم به آن اشاره شده، نیست. وقتی نشانی‌اش را می‌پرسی، می‌گویند؛ سال‌هاست که درخت از بن و ریشه قطع شده است. حتی حصاری که در آن کبوترها بودند و زایران با عشق، همراه خود دانه می‌آوردند تا به آنها دهند هم دیده نمی‌شود و جای خود را به ساعتی خورشیدی داده است. البته مسوولان می‌گویند؛ در صبح‌های بسیار زود، به حدی در اطراف صحن کبوتر جمع می‌شود که جای قدم برداشتن نیست. صاحب امامزاده آن‌گونه که از کتیبه بالای سر در صحن به چشم می‌خورد از پسران امام موسی کاظم(ع) و برادر امام هشتم شیعیان، امام‌رضا(ع) است. گفته می‌شود که حسن‌نامی بهبهانی در تعقیب وی برآمده و صالح(ع) را در باغ جنب گلشن زیر همان درخت چنار گرفتار کرده و به شهادت رسانده است. برخی از اسناد حاکی از آن است که سر این امامزاده در آرامگاه دفن است و بدن وی نیز در آرامگاهی با نام مشابه در میدان عالی‌قاپو اردبیل آرمیده است، اما مسوول روابط عمومی، این مساله را نقض می‌کند و این داستان را شایعه می‌پندارد و معتقد است که بدن و سر امامزاده صالح(ع) هر دو و در همین آرامگاه دفن است.

در گذشته‌ای نه‌چندان دور، صحن و حیاط این بقعه، قبرستان عمومی بوده است که برای وسعت و توسعه صحن، اخیرا قبرها را جابه‌جا کرده و به طبقه زیرین صحن منتقل کرده‌اند. با این حال، وقتی از در شمالی وارد امامزاده می‌شوی، شش سنگ قبر از شهدای گمنام جنگ تحمیلی به چشم می‌خورد و حتی در صحنی که مربوط به بانوان است، نیز دو سنگ قبر موجود است که با فرش پوشانیده شده و زایران بی‌توجه به آن، بر رویش نشسته‌اند. آخرین شخصی که در این امامزاده به خاک سپرده شده، دکتر مجید شهریاری است که در آذرماه ۱۳۸۹ به شهادت رسید.

مرکز امداد پزشکی، کتابخانه و مرکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی مربوط به امامزاده، اطراف صحن را دربرگرفته است که این خدمات را تقریبا در هیچ امامزاده‌ای نمی‌توانی پیدا کنی. از دیگر نکات قابل توجه نیز سایت اینترنتی و دفتر خدماتی مربوط به سایت است که زایران می‌توانند از آن به عنوان راهنما استفاده کنند.

تاریخچه بقعه امامزاده صالح(ع)

این بقعه، بنای چهارگوش بزرگ و محکمی است که در آبادی و محله تجریش واقع شده است. فضای درونی آن ۴۲۲ هزار و ۵۰ متر مربع وسعت دارد و دارای دیوارهای قطوری است که با توجه به وضع طاق‌نماها از نظر سبک و شیوه معماری به بناهای دوران ایلخانی بازمی‌گردد. گنبد شلمجی‌شکل آن نیز با کاشی‌های بسیار زیبایی پوشیده شده است. این گنبد بنا بر گفته خادمان امامزاده در سال ۱۳۲۳ هـ‌ش به همت شخصی به نام حسن فداکار با هزینه شخصی، تعمیر و کاشی‌کاری آن به‌صورت اولیه تجدید شده است و بنا بر دستور هلاکومیرزا، فرزند فتحعلی‌شاه نیز، نقاشی‌های ظریف و مقرنس‌کاری‌های استادانه‌ای داخل حرم انجام شده است. هلاکومیرزا، بانی بازسازی و آذین‌کاری حرم شناخته شده است.

مدخل ورودی کنونی نیز از خیرات اوست چراکه قبل از آن در ورودی از طرف غرب امامزاده باز می‌شد که به سمت شمال انتقال داده شد و همچنین ایوان و رواقی نیز در همین بخش شمالی در سال‌های گذشته افزوده شده است. در داخل حریم وسیع امامزاده، صندوقی چوبین وجود دارد که متعلق به دوران صفویه یا افشاریه است و بسیار جلب توجه می‌کند. ضریح نیز تماما از نقره است که از وقفیات مرحوم آقامیرزا سعیدخان، وزیر امور خارجه دوران قاجار است. بعد از انقلاب اسلامی، گنبد بزرگ‌تری ساخته شد که روی گنبد بالای حرم نصب شده و نیز دو گلدسته از دهه ۸۰ به بعد به صحن اضافه شده است. با این حال وقتی پا به درون حیاط امامزاده می‌گذاری، بیش از هر چیزی ساخت و سازهای نیمه‌تمام حوالی بقعه توجه تو را به خود جلب می‌کند و کارگران مشغول ساخت بناهای جدید و بازسازی بناهای کهن هستند.

چنار معروف امامزاده صالح(ع)

می‌گویند کهنسال‌ترین چنار تهران، چنار امامزاده صالح(ع) بوده که امروزه هیچ اثری از آن نیست ولی داستان‌های بسیار خواندنی داشته است تا آنجا که مارکوپلو در سفرنامه خود از این درخت یاد کرده و آن را از مهم‌ترین نمونه‌های درخت چنار در جهان شمرده است. یکی از داستان‌هایی که مربوط به این درخت است مبنی بر آن است که قبل از شهادت امامزاده صالح(ع) در شب سال نو، مادری به دلیل عدم استطاعت مالی نتوانست برای فرزندش، لباس نو تهیه کند. رهگذری از کنار این مادر گذشت و پس از آگاهی از این موضوع، به زن کمک و لباس نویی را برای کودک زن تهیه می‌کند. این مادر درمانده برای سپاس از آن مرد، تخم درخت چناری را در کنار منزل آن شخص می‌کارد و از خدا می‌خواهد که به این فرد خیر ۱۰۰۰ سال عمر دهد که این ۱۰۰۰ سال پاگیر درخت چنار می‌شود.

این درخت به دلیل گسترده بودن شاخه‌ها و ایجاد مزاحمت در صحن و نیز خشک شدن آن طی سالیان گذشته، قطع شده است.

مدفونین در جوار امامزاده

این امامزاده آرامگاه بسیاری از افراد عمومی و رجال سیاسی و درباری دوران قاجار بوده است. در این آرامگاه بیش از ۱۵۰ نفر دفن شده‌اند که بسیاری از آنها افراد مشهور و معروفی بوده‌اند از جمله می‌توان به میرزانصرالله‌خان نائینی ملقب به مشیرالدوله اشاره کرد که فرمان مشروطیت توسط وی به ملت ابلاغ شد. وی در سال ۱۳۲۵ هـ‌ق درگذشت و در کنار صحن امامزاده دفن شد. همچنین محمدولی‌خان تنکابنی ملقب به سپهسالار نیز که به دلیل مشکلات، خودکشی کرد در این قبرستان آرمیده است. در گذشته مقبره آنان دارای طاقه شال‌ها و چراغ بوده است که امروزه اثری از آنها نیست.

نذر و نیاز در امامزاده

از شاخصه‌های این امامزاده تجریش‌نشین، ورودی زایران دختران جوان است که برای طلب حاجت‌شان، نان، پنیر، سبزی، خرما یا نمک نذر امامزاده می‌کنند. بنا بر گفته یکی از خادمان زن که به صورت افتخاری در این امامزاده مشغول به کار است به دلیل آنکه صالح(ع) بسیار جوان بوده و در ۱۸ سالگی به شهادت رسیده، حاجت جوانان را بسیار سریع می‌دهد و اکثر زایران هم دختران نوجوان و جوان هستند که برای قبولی در کنکور یا ازدواج مناسب به نذر و نیاز می‌پردازند.

اما نذر نمک داستان جالبی دارد. می‌گویند در گذشته‌های دور به دلیل عدم دسترسی به وسیله نقلیه و صعب‌العبور بودن تجریش در زمستان، زایران با خود نمک می‌آوردند و در مسیر می‌پاشیدند تا راه را برای دیگر زایران باز کنند و از آن تاریخ به بعد، نمک هم جزو نذریات این بقعه شد و زایرانی که استطاعت مالی ندارند، نیازمند این نمک‌های نذری هستند و آنها را می‌گیرند و خود به کار می‌برند یا به فروش می‌رسانند.

این امامزاده قدیمی که در دل شمیران آرمیده است، نه‌تنها در تهران بلکه در کل ایران و حوزه‌های شیعه‌نشین شهرت دارد و هر سال تعداد زیادی از مشتاقان و شفاخواهان را به خود می‌طلبد.

لاله‌زار

تاریخچه تئاتر در تهران

■ اولین بار با بازگشت دانشجویانی که طبق دستور عباس‌میرزا (نایب‌السلطنه) به اروپا اعزام شده بودند، آشنایی ایرانیان با فرهنگ غرب افزایش یافت و یکی از ثمرات این آشنایی، احداث سالن‌های نمایش بود. البته یکی دیگر از مراحل تکامل تئاتر در ایران سفرهای ناصرالدین‌شاه به غرب و روسیه بود. ناصرالدین‌شاه در کنار دیدارهای رسمی خود در شهرهای اروپایی به دیدار نمایش‌ها علاقه نشان داد و این دیدارهای مکرر وی از تئاترهای غربی موجب شد که به تقلید از سبک معماری سالن‌های نمایشی لندن، تکیه دولت را در تهران بنا کند تا او هم متقابلا با نمایش‌های ایرانی از میهمان‌های خارجی خود پذیرایی کند. تکیه دولت که به منظور اجرای نمایش‌ها به شیوه غربی شناخته شده بود، به علت مخالفت مردم و روحانیون آن دوره با اجرای نمایش به محل اجرای تعزیه‌خوانی و تکیه مذهبی تبدیل شد. نخستین تالار نمایشی بعد از تکیه دولت که به سبک اروپایی ساخته شد، تالار مدرسه دارالفنون توسط «مزین‌الدوله» نقاش‌باشی بود که در بخش جنوبی بنای این مدرسه احداث شد، این سالن دارای سکوی کوچک و صحن خصوصی برای شاه و درباریان بود، نخستین نمایشنامه‌ای هم که در تماشاخانه دارالفنون به نمایش درآمد «گزارش مردم‌گریز مولیر» بود که گروهی از اروپاییان که ساکن تهران بودند آن را بازی کردند. اما اولین تئاتر عمومی و مردمی در طهران به نام «تئاتر ملی» در خیابان لاله‌زار در طبقه بالای چاپخانه فاروس احداث شد که گنجایش بیش از سی نفر تماشاگر را داشت. چاپخانه فاروس نمایشنامه‌های بسیاری را منتشر کرد که در تئاتر ملی به اجرا درآمد. بدین ترتیب اندیشه نمایش یا بازی زنده یا تئاتر روحوضی که در پارک‌ها، خانه‌ها یا در دربار که به شکل خصوصی یا عمومی به انجام رسیده بود با اندیشه داشتن تئاتری بسته برای تمام فصول ولی با همان هدف و خواست، برای پذیرفتن مردم کوچه و بازار در تئاتر ملی سرانجام گرفت. این نخستین تئاتر عمومی و مردمی بود زیرا تمام مردم می‌توانستند برای تماشا با تهیه بلیت به آنجا وارد شوند. ریاست این تئاتر را عبدالکریم محق‌الدوله که از افراد تحصیلکرده بود، برعهده داشت. تئاتر ملی هر ۱۵ روز یک‌بار یک برنامه داشت. اولین نمایشی که در این تئاتر اجرا شد، نمایشنامه کمدی «گوگول» به نام بازرس بود. این نمایشنامه را «نادرمیرزا» عضو جوان وزارت خارجه ایران از زبان روسی به فارسی ترجمه کرده بود که موفقیت شایانی به دست آورد. این نمایشنامه اوضاع و احوال اجتماعی زمان نیکلای اول روسیه را مجسم می‌کرد.

ورود اتومبیل به تهران

آریا شیروانی

ماشین

اولین باری که ایرانی‌ها با پدیده‌ای به نام اتومبیل آشنا شدند و از نزدیک آن را مشاهده کردند در سال ۱۲۷۹ ه.ش/ ۱۹۰۰ م بود که مظفرالدین‌شاه قاجار در نخستین سفر خود به اروپا اتومبیل را وارد ایران کرد.

این وسیله نقلیه که نه به کالسکه‌باشی نیاز داشت و نه به اسب‌های درشت‌اندام با تعفن فضولات آنها و نه نیاز به اصطبل و مهم‌تر که اسباب زحمت را فراهم می‌کرد و تندتر از اسب و قاطر هم راه می‌رفت، باعث شد که شاه دل به دریا زند و از محل چند هزار لیره استقراضی از انگلیسی‌ها قصد خرید دو دستگاه ماشین از شرکت رنو کند. وی به عنوان نخستین پادشاه ایرانی دو اتومبیل خرید و انتقال آنها را به تهران نیز به رانندگان فرانسوی سپرد که یکی از اتومبیل‌ها در راه انزلی به تهران دچار نقص فنی شد و از حرکت بازماند و فقط یکی از آنها به تهران رسید.

وضعیت خیابان‌ها و کوچه‌های تهران آن روز به هیچ وجه مناسب برای حرکت اتومبیل نبود و کوچه‌های باریک مانع حرکت اتومبیل در شهر می‌شد. به ناچار اتومبیل را بعد از ورود به تهران به میدان مشق برده و در آنجا پارک کردند. هر روز صبح عده زیادی از مردم تهران در میدان مشق اجتماع می‌کردند و به دستور مظفرالدین شاه، راننده فرانسوی، اتومبیل را برای مردم به حرکت درمی‌آورد. از زمان ورود اتومبیل به پایتخت تا چند سال، مهجور، غریبه، مشکوک و اعتمادناپذیر ماند و مردم به خر، اسب، شتر و اعیان به کالسکه و درشکه علاقه و اعتماد بیشتری داشتند و از اتومبیل می‌ترسیدند. در سراسر ایران حتی یک راننده ایرانی یافت نمی‌شد و بنزین را باید در حلب از روسیه با کشتی می‌آوردند و همچنین اگر اتومبیل به مشکل فنی برخورد می‌کرد، وسایل یدکی یافت نمی‌شد. اما زمان به نفع اتومبیل پیش رفت و از سال ۱۲۹۰ ه.ش به بعد اتومبیل در طهران فراوان شد. اولین اتومبیل‌هایی که وارد تهران شد سواری‌های فورد کروکی بود که سرعت‌شان از ۴۰ کیلومتر در ساعت بیشتر نمی‌رفت و گلگیرهایی شبیه گلگیر درشکه داشتند که روی چرخ‌ها برگردان شده بود به اضافه فرمانی از چوب لاک و الکل کاری شده بود که هنگام هدایت ماشین فشار و زور بیش از اندازه‌ای را می‌طلبید و چون دینام و باتری نداشت، طبعا نمی‌توانست با برق روشن شود و چراغ‌هایش توسط گاز کاربیت و با کمک کبریت روشن می‌شد و بوق آن عبارت بود از بوق بادی. این اتومبیل‌ها به وسیله هندل روشن می‌شد، به هنگام حرکت درآمدن و توقف کردن تکان‌های شدیدی داشت.

وثوق‌الدوله، رییس‌الوزرای عصر احمدشاه نقش بسیار مهمی در ازدیاد اتومبیل در پایتخت داشت چرا که به عنوان اولین نخست‌وزیر یک فورد اختصاصی برای رفت‌وآمد خود در نظر گرفت. نخستین واردکنندگان اتومبیل، سوای دولتمردان ایرانی، وزیران مختار خارجی و افسران روس، انگلیس، آلمان و ترک عثمانی بودند که درجریان جنگ جهانی اول با استفاده از این وسیله نقلیه، نقش مهمی را در ازدیاد آن ایفا کردند. بدین ترتیب هنگامی که کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ه.ش انجام شد، تعداد اتومبیل‌ها در تهران آنقدر زیاد بود که حکومت نظامی کودتاگران، در طول یکی دو روز توانستند در حدود ۵۰ دستگاه از آن دولتمردان و توانگران را ضبط و مصادره کنند. با این حال تعداد رانندگان تهران، بسیار معدود بود و اغلب رانندگان آسوری، عرب، ارمنی و هندی بودند که محل گاراژ و فروش اتومبیل‌ها، خیابان چراغ گاز بود. قیمت هر اتومبیل سواری با اندکی اختلاف (به نسبت نوع و مارک آن) بین سیصد تا سیصد و پنجاه تومان بود که با پنجاه تومان پیش‌قسط امکان تهیه آن برای شهروندان وجود داشت. گران‌ترین اتومبیل‌های اولیه در تهران «گرام‌پیج» بود که دو هزار و پانصد تومان قیمت داشت و با پانصد تومان پیش‌قسط به متقاضیان تحویل داده می‌شد.

جدول ۱۲۰۳

افقی

۱-اندک-کشور عربی با مرکز دمشق-یادش آرام‌بخش دل‌هاست ۲-کارگردان سریال تاریخی «تبریز در مه»-گریه با صدای بلند ۳-شهر صنعتی نزدیک تهران-کمان-ادیب ایرانی، مترجم مرزبان‌نامه ۴-اولین چهارقمی-درخت بادام کوهی با میوه‌ای تلخ و چوبی سخت-میوه آتشین ۵-اشاره تاکیدی به دور-شایسته و سزاوار-حرف دوم انگلیسی ۶-پروردگار عالم-نسبت زن و شوهر-نام «گاگارین» فضانورد مشهور روسی ۷-ساز مولانا-مضطرب-زمین‌های ملکی ۸-حجم هندسی-روبات-نویسنده تخیلی‌پرداز فرانسوی ۹-پارچه کم‌بهای درون لباس-سوغات قم-سدی در خوزستان ۱۰-ماه پاییزی-نوعی میمون-شبیه و مثل ۱۱-عدد ماه-نوعی نان کلفت-پسوند پیراینده ۱۲-جدا-نماینده-پول سکه زننده ۱۳-بازپس دادن-زادگاه حضرت ابراهیم (ع)-حاجت و درخواست ۱۴-وحشت-بازیگر خانم سریال «خانه به دوش» و فیلم «قلب‌های ناآرام» از مجید مظفری ۱۵-پایتخت آلبانی-آرام گرفتن، خفتن-سنگریزه

عمودی

۱-مبلغی به صورت وام یا بلاعوض برای برطرف کردن بخشی از نیازهای دانشجویان-دولت‌شهر یونان باستان ۲-قطعی و مسلم-شنا کردن در سطح پایین آب-تلاش ۳-کوشنده در راه خدا-شامگاهان-کلفت و ضخیم ۴-آب‌بند-قصه و داستان-ساز زهی با چهار سیم ۵-هر برگ کاغذ-خیال و پندار-بازیگر فیلم جشنواره‌ای «راه آبی ابریشم» از محمد بزرگ‌نیا ۶-باغ-رادار-مادر هموطن آذربایجانی ۷-شترکش-مهم عرب-شاعر ملی شیلی با نام «پابلو» برنده نوبل ادبیات ۱۹۷۱ ۸-هوش بی‌پایان-از ورزش‌های فرنگی و پایه-علامت جمع در فارسی ۹-گیاه رنگرزی-خورشید-عقیم ۱۰-بزرگ‌ترین دریاچه جهان در شمال کشورمان-مربوط به هر نفر-اسطوره رومی خدای زیرزمینی و جهان مردگان ۱۱-الهه شکار و جنگل‌ها-شهری در آمریکا-جوانمرد ۱۲-ماده معطر بستنی و شیرینی-کال-نفس خسته ۱۳-قوی‌ترین مهره شطرنج-حرف سی‌ام الفبای فارسی-محروم ۱۴-قوت لایموت-به خاطر سپردن، حفظ کردن-مجموع قوای نظامی هر کشوری ۱۵-از نیروهای سه‌گانه ارتش-ویژگی عینکی که برای دیدن اشیای نزدیک به کار می‌رود

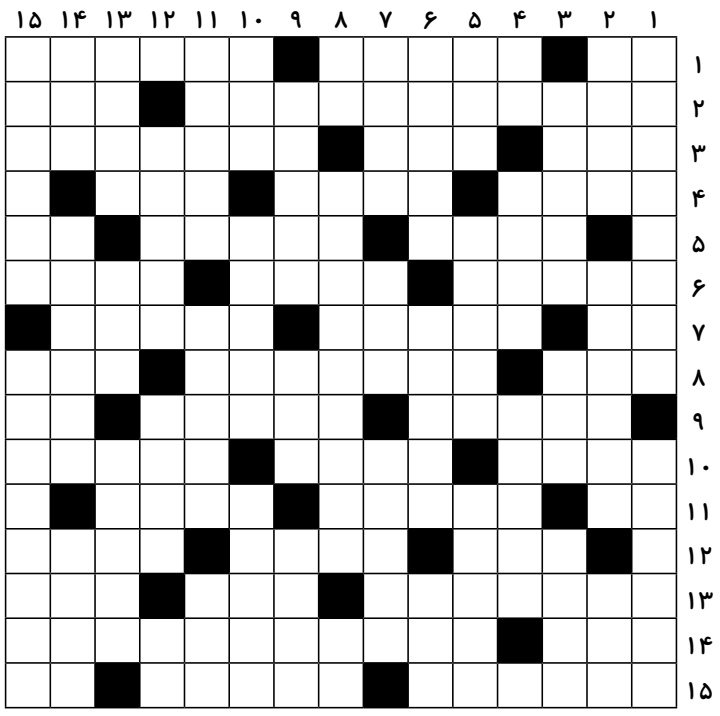

حل جدول ۱۲۰۲

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ش	ا	م	ل	و	■	ا	م	ا	د	گ	ی	■	چ	م
۲	ا	ب	ز	ا	ر	ت	و	ل	ی	د	■	ا	ت	و	د
۳	ه	ر	ه	ر	■	م	ن	ی	ر	■	م	ر	و	ا	ن
۴	ز	و	■	و	ا	ر	د	■	ا	ش	ت	ب	ا	ه	■
۵	ا	■	ا	س	ک	ی	■	س	د	ی	د	■	ی	ر	ا
۶	د	ا	م	■	ل	ن	گ	ر	■	ر	ی	ا	ن	■	ت
۷	ه	م	ر	ا	ه	■	ر	ا	ز	ی	ن	ه	■	ش	و
۸	و	ی	ا	ر	■	ه	م	ی	ا	ن	■	ر	س	ت	م
۹	گ	ر	■	ا	ر	م	ا	ن	ی	■	ک	م	ی	ا	ب
۱۰	د	■	ن	م	و	ر	■	د	ل	ا	ل	■	ا	ب	ی
۱۱	ا	ب	ر	■	ب	ا	ل	ه	■	م	ی	ل	ه	■	ل
۱۲	■	ه	م	ب	ا	ز	ی	■	ب	ر	د	ه	■	خ	ر
۱۳	ق	ر	ا	ی	ن	■	ر	ا	س	و	■	ا	ش	ن	ا
۱۴	ب	ا	ل	ن	■	ب	ی	س	ت	د	ا	س	ت	ا	ن
۱۵	ض	م	■	ا	س	ت	ک	ا	ن	■	ف	ا	ر	س	ی

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۲۱۱

۴		۶	۱					
	۷				۵			۶
	۲		۶	۳			۱	
۷			۴	۸	۶	۱	۵	۲
	۱				۹			۸
		۲			۱	۹		۷
	۹			۴			۲	
			۹		۳		۶	
	۴	۵						۹

قانون‌های حل جدول سودوکو:
۱-در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲-در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

حل سودوکو ۲۱۰

۹	۳	۴	۱	۸	۶	۲	۷	۵
۱	۷	۶	۵	۹	۲	۸	۳	۴
۲	۸	۵	۳	۷	۴	۶	۱	۹
۵	۱	۳	۴	۶	۸	۹	۲	۷
۶	۹	۷	۲	۳	۱	۵	۴	۸
۸	۴	۲	۷	۵	۹	۱	۶	۳
۳	۲	۹	۶	۴	۵	۷	۸	۱
۴	۶	۸	۹	۱	۷	۳	۵	۲
۷	۵	۱	۸	۲	۳	۴	۹	۶